

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان با تأکید بر جنبش حزب الله

سید مهدی طاهری *

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، نویدبخش دوره جدیدی از ظهور اسلام بود که سایر ملت‌های اسلامی از جمله شیعیان لبنان را به‌تکاپو واداشته و شیعیان این کشور و به‌خصوص جنبش حزب‌الله، به‌برکت انقلاب اسلامی، به‌تدریج نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی ایفا کرده‌اند.

انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری در عرصه فرهنگی (تقویت هویت شیعی)، سیاسی (سهم بیشتر در قدرت) و اجتماعی (بهبود شدن وضعیت شهروندی)، سهم بسزایی در رشد و پیشرفت و انجام اقدامات سیاسی - اجتماعی و کسب موفقیت‌های شیعیان لبنان به‌خصوص جنبش حزب‌الله داشته است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، شیعیان لبنان، جنبش حزب‌الله.

Seyedmehditaheri@gmail.com

پذیرش نهایی: ۸۹/۱۰/۱۴

* عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۳

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از رخداد‌های بزرگ قرن بیستم، در شرایطی به‌وقوع پیوست که کمتر کسی آن را در شرایط انقلابی تصور می‌کرد؛ زیرا برآوردهای ناشی از وضعیت جهانی در دوران دوقطبی و حمایت قدرت‌های خارجی از نظام حاکم بر ایران، بیانگر آن بود که تحولات ایران در دهه ۱۳۵۰ به‌ثبات نسبی ختم می‌شود. پس از پیروزی انقلاب، اسلام انقلابی در تقابل با غرب و شرق قرار گرفته و علی‌رغم فشارهای شدید نظام بین‌الملل و سایر دولت‌های منطقه، در سطوح جهانی و منطقه‌ای تأثیرگذار بوده است.

انقلاب اسلامی با تجدید حیات قدرت سیاسی اسلام، به‌چند قرن خمودگی و انحطاط تمدن اسلامی خاتمه داده و موجب بروز نوعی احیای اسلامی بر پایه بازگشت به‌ایدئولوژی و مکتب اسلام شد. با اتخاذ اسلام به‌عنوان هدف و ابزار مبارزه از سوی انقلابیون ایران، برخی از جنبش‌ها و سازمان‌های سیاسی و مبارزاتی در عرصه ناسیونالیسم، کمونیسم و لیبرالیسم، رنگ‌باخته و توان اثرگذاری خود را از دست دادند.

به‌دنبال گسترش موج اسلام‌گرایی و ظهور گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه اندیشمندان به‌سوی تفکر در مورد جریان‌ات اسلامی گرایش یافته و بحث‌هایی در این زمینه شکل گرفت. بیشتر مباحث نظری در قالب گفتمان نوگرایی یا تقابل سنت و تجدد بود، تا بتواند عوامل گسترش موج گرایش سیاسی - مذهبی را در میان جنبش‌های اسلامی کشف کند. آنچه در میان این مباحث کمتر به‌چشم می‌خورد، توجه به‌بحث‌هایی پیرامون علل توجه اسلام‌گرایان به‌ویژه تشیع به‌اقدامات جمعی و عوامل مؤثر در شکل‌دادن به آن است. لذا برای یافتن مدل مناسب برای تحلیل این واقعیات، باید سراغ نظریات رفته تا بتوان تحلیل مناسبی از رفتارها و اقدام جمعی مسلمانان ارائه داد.

برای شناخت علل این اقدامات باید به‌شناخت انگیزه‌ها و علل و عوامل پیوستن به‌گروه‌های اسلامی برای انجام اقدام جمعی و جهت‌گیری‌های سیاسی توسط انقلابیون ایران و جنبش‌هایی از قبیل جنبش حزب‌الله در لبنان پرداخته شود، تا بتوان تحلیل

مناسبی از موفقیت‌های آنان ارائه دهیم.

دامنه اقدام جمعی شامل اقدام جمعی مسالمت‌آمیز و فعالیت‌های فردی (همانند عملیات استشهادی) و فعالیت جمعی خشونت‌آمیز است (تدگر، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند: ۲۴) و عمده‌ترین نظریه‌پردازی پیرامون اقدام جمعی از اواخر دهه ۱۹۶۰ به بعد و پس از ظهور جنبش‌های نوین اجتماعی مطرح شدند. قابل توجه آنکه مفهوم اقدام جمعی، بخشی از مطالعه عمومی‌تر تحول اجتماعی است که مفاهیمی همچون ثبات، بی‌ثباتی، خشونت و انقلاب را دربر گرفته است. درباره مفهوم اقدام جمعی، رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد که تمرکز آنها بر علل و عوامل فعالیت سازمان‌یافته گروه‌هایی است که در پی دستیابی به اهداف خاصی هستند.

«ماکس وبر» با طرح مفهوم کنش اجتماعی، معنای ذهنی کنش و کنش‌گر و رفتار دیگران را مدنظر قرار داده است. از نظر او کنش‌های اجتماعی در رابطه با یکدیگر، رابطه اجتماعی را می‌آفرینند که از جمله آنها مبارزه می‌باشد و مبارزه نیز همراه با توسل به خشونت فیزیکی یا مسالمت‌آمیز است که از تعهد اعضای جمع و به‌نوع خاصی از نظام عقاید سرچشمه می‌گیرد. (وبر، مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی: ۳۳ و ۱۰۳)

بسیاری از محققان نیمه دوم قرن بیستم که نظریه‌پرداز جنبش اجتماعی هستند، چارچوب نظری ماکس وبر در خصوص نقش عقاید در اقدامات جمعی را راهنمای خود قرار داده‌اند. ما نیز در این مقاله با این الگوی نظری درصدد بررسی این موضوع هستیم که چگونه محرومیت شیعیان لبنان در دوران معاصر، باعث شد که جنبش حزب‌الله، با تکیه بر نظام عقیدتی شیعه و پیروی از الگوی آرمانی آن در دنیای معاصر (انقلاب اسلامی ایران)، درصدد دستیابی به حقوق واقعی خود در جامعه لبنان برآید.

شایان ذکر است که با وجود طوایف متعدد در جامعه لبنان، هر طایفه‌ای برای اعمال نفوذ در این کشور، نیازمند توان ذاتی طایفه خود و همچنین حمایت یک قدرت خارجی است؛ این در حالی است که شیعیان لبنان در طول تاریخ، هیچ یک از عوامل مورد نیاز برای اعمال قدرت در جامعه لبنان را در اختیار نداشتند. هرچند شیعیان لبنان با رهبری

علمایی همچون «علامه شرف‌الدین» و «امام موسی صدر»، تلاش‌های بسیاری برای دستیابی به حقوق خود انجام دادند؛ ولی با این حال موانع ایجادشده از سوی دشمنان داخلی و خارجی، باعث شد که آنها به اهداف مورد نظر دست نیابند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران که همزمان با ناپدید شدن امام موسی صدر بود، زمینه‌ساز احیای نهضت شیعی لبنان شده و در این راستا نگارنده بر مبنای روش توصیفی - تاریخی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی در لبنان و ایران، درصدد پاسخ به این سؤال است که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیرات مهمی بر شیعیان لبنان به‌خصوص جنبش حزب‌الله در انجام اقدامات سیاسی - اجتماعی و کسب موفقیت‌های آنان داشته است؟

در خصوص درک بهتر این موضوع، ضرورت دارد که ابتدا توصیف مختصری از جامعه لبنان و وضعیت شیعیان در دوره تاریخی قبل از انقلاب اسلامی ارائه کرده تا بتوان تأثیرات انقلاب اسلامی بر شیعیان این کشور و جنبش حزب‌الله را برجسته کرد.

توصیف جامعه لبنان

کشور لبنان به‌عنوان کوچک‌ترین سرزمین خاورمیانه پس از بحرین، پرجمعیت‌ترین کشور نسبت به وسعت خاکی خود در خاورمیانه است که در نوامبر ۱۹۴۳ میلادی استقلالش به رسمیت شناخته شد. این کشور از لحاظ جغرافیایی، در غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار دارد که از شمال و شرق، با سوریه و از جنوب، با فلسطین اشغالی همسایه است. کشور لبنان در وضعیت مناسبی برای ارتباطات اقتصادی، تجاری و فرهنگی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا قرار داشته و محل تلاقی مسیحیت با اسلام و دروازه اتصال جهان عرب به اروپا است. کوهستانی‌بودن این کشور باعث شده تا به‌پناهگاه مناسبی برای اقلیت‌های مذهبی سرزمین‌های همسایه تبدیل شود؛ اما باین حال به دلیل کثرت طوایف مذهبی - سیاسی، تقسیم قدرت در این کشور همیشه با اختلافاتی مواجه بوده و طایفه‌گرایی و فرقه‌گرایی نمایانگر ساخت جامعه لبنان است.

در کشور لبنان ۱۸ طایفه مذهبی وجود داشته و بر مبنای اصل ۹۵ قانون اساسی لبنان، پست‌های حکومتی بر اساس وابستگی‌های طایفه‌ای و مذهبی تقسیم شده و مطابق آن رئیس‌جمهور از میان مارونی‌ها، نخست‌وزیر از میان سنی‌ها، رئیس مجلس از میان شیعیان، نائب رئیس اول مجلس از میان ارتدوکس‌ها و تعدادی از وزرای کابینه نیز از میان این فرقه‌ها و سایر فرقه‌ها باید برگزیده شود. (الخوند، الموسوعة التاريخية الجغرافية: ۱۸۰)

نکته قابل توجه در این خصوص آن است که سابقه حضور استعمار فرانسه در این کشور، توازن طایفه‌ای را به نفع مسیحیان تمام کرد؛ زیرا طبق آخرین سرشماری طایفه‌ای رسمی به عمل آمده در سال ۱۹۳۲ توسط فرانسوی‌ها، مسیحیت با ۵۱ درصد، اکثریت جامعه لبنان را تشکیل می‌داد. اما پس از آن تاریخ تا به حال دیگر هیچ آمار رسمی برای جمعیت طایفه‌ای لبنان اعلام نشده است. (نادری سمیرمی، لبنان: ۶ و ۷) در واقع عدم اعلام آمار رسمی، بدان دلیل است که جمعیت مسلمانان، به خصوص شیعیان به دلیل زاد و ولد بیشتر، بالا رفته و در عین حال جمعیت مسیحیان به دلیل مهاجرت به اروپا کاهش یافته است و حتی به اعتراف خود مسیحیان نیز، مسیحیت در جامعه لبنان به اقلیت تبدیل شده است. «تیری دژاردن» در این زمینه می‌گوید: «بدبختانه افزایش جمعیت مسلمانان بر پیش‌نویس قانون‌نویسان پیشی گرفته است و همه می‌دانند که امروز مسیحیان در لبنان به اقلیت تبدیل شده‌اند». (دژاردن، صد میلیون عرب: ۱۷۸)

در حال حاضر شیعیان با توجه به کثرت جمعیت در قیاس با سایر طوایف، گرچه بر مبنای قدرت طایفه‌ای مبتنی بر جمعیت، سهم ناچیزی از قدرت را کسب کرده‌اند، اما در پناه حمایت جمهوری اسلامی ایران، در قیاس با قبل از انقلاب اسلامی، پیشرفت چشمگیری داشتند که برای درک بهتر این وضعیت، ضرورت دارد به صورت مختصر به بررسی اجمالی وضعیت آنها قبل از انقلاب اسلامی ایران بپردازیم تا بهتر بتوان اثرات انقلاب اسلامی بر موفقیت‌های شیعیان را شناخت.

شیعیان لبنان، قبل از انقلاب اسلامی ایران

نسب اصلی جامعه شیعی لبنان به منطقه جبل عامل برمی گردد و علمای شیعه، تأسیس جامعه شیعه جبل عامل را به ابوذر غفاری نسبت می دهند. (العاملی، جبل عامل فی التاريخ: ۴۹) شیعیان لبنان، از قرن سوم هجری، تحت حاکمیت امویان، حکام ایوبی، حکومت ممالیک و حکومت سلاطین سنی مذهب قرار داشتند. از آنجایی که بسیاری از شیعیان در این دوران در معرض قتل و اسارت قرار گرفته بودند، لذا برخی از آنها برای نجات خویش، تغییر مذهب داده و جزو اهل سنت شدند و برخی دیگر نیز به مناطق کوهستانی جبل عامل مهاجرت کردند. (المهاجر، التأسيس لتاریخ الشیعة فی لبنان و سوریه: ۵۲) دورافتادگی جغرافیایی این مناطق و دوری آنها از ظلم حاکمان سنی، نه تنها سبب تداوم و استمرار یک فرهنگ شیعی در این ناحیه شد، بلکه همچنین باعث جذب شیعیان امامیه از سایر مناطق به این ناحیه گردید. (الجرالعاملی، امل الآمل، ج: ۱، ۱۵)

در دوران حکومت عثمانی، فاصله و شکاف میان شیعیان با سایر طوایف زیادتر شد؛ زیرا مارونی‌ها با فرانسه، دروزی‌ها با بریتانیا و ارتدوکس یونانی با روسیه متحد بودند و سنی‌ها نیز خود را بخشی از خلافت عثمانی دانسته و از حمایت آنان برخوردار بودند. (حمادة، تاریخ الشیعة فی لبنان: ۸۸ و ۸۹) در این میان تنها، گروه شیعه بود که از حمایت قدرت خارجی محروم بود و فقط گاهی از جانب حکام قاجار نسبت به رفاه برخی از تجار شیعه علاقه‌ای ضعیف نشان داده می شد. (20: Fawaz, Merchants and Migrants in ...)

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، با اصلاحات ارضی حکومت عثمانی، در نواحی شیعه‌نشین دگرگونی محدود اقتصادی - اجتماعی پدید آمد که در نتیجه به رشد گروه کوچکی به نام «اشراف یا زعما» منجر شده و این گروه توانستند مالکیت برخی اراضی را به دست گیرند. با تمرکز ثروت در دست زعما، آنها به عنوان نمایندگان مناطق شیعی در شوراهای اداری عثمانی محسوب می شدند. (Buheiri, Intellectual Life in the: 122&121)

به موازات زعما، خاندان‌های تحصیل کرده علما که از طبقات مختلف بودند، به واسطه تحصیلاتشان از وجهه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند، (معینی آرانسی، ساختار

اجتماعی لبنان و آثار آن: ۲۲) ولی از آنجاکه طبقه غالب در جامعه - شامل روستاییان و دهقانان - تابع زعما بودند، لذا علما پایگاه اقتصادی گسترده‌ای نداشته و در نتیجه در تدوین خط سیر مستقل سیاسی محدود بودند. (Buheiri, Ibid: 119&120)

با فشار قدرت‌های اروپایی بر حکومت عثمانی و تضعیف حاکمیت در اواخر قرن نوزدهم، گرچه برخی از زعمای شیعه بانی تجدید حیات و بیداری سیاسی شدند، ولی با این حال، اکثریت شیعیان از لحاظ جغرافیایی در انزوا، از لحاظ سیاسی ضعیف و از نظر اقتصادی تابع حکومت خاندان‌های فئودال متخاصم باقی مانده و به همین منوال وارد قرن بیستم شدند. (Ibid: 92&93)

با فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول و ورود فرانسه به لبنان و متعاقب آن شکل‌گیری قیام دروزی‌ها، با توجه به بی‌اعتمادی شیعیان نسبت به ناسیونالیسم، فرانسوی‌ها به منظور راضی نگه داشتن شیعیان و جلوگیری از پیوستن آنها به دروزی‌ها و عدم شکل‌گیری یک جبهه متحد اسلامی علیه فرانسه، با پذیرش رسمیت مذهب شیعه به عنوان یکی از مذاهب رسمی در لبنان، رسماً وضعیت حقوقی جداگانه‌ای برای شیعیان قائل شده و با تأسیس دادگاه‌های شرع جعفری در لبنان، برای نخستین بار در طول تاریخ لبنان، شیعیان به عنوان یک گروه دینی جدا از اهل سنت و برخوردار از تشکیلات قضایی، به رسمیت شناخته شدند. (Olmert, The Shiites Of Lebanon: 10)

در دهه ۱۹۵۰، در اثر همکاری طوایف مختلف لبنانی از جمله شیعیان، این کشور از سلطه فرانسه خارج شده و با مجاهدت‌های علامه شرف‌الدین در روند استقلال و همچنین تلاش وی برای خروج شیعیان از حالت انزوا، به تدریج شاهد روند سریع جابه‌جایی شیعیان به سمت شهرها و خروج از انزوا می‌باشیم.

پس از فوت آیت‌الله شرف‌الدین، آیت‌الله سیدموسی صدر، بنابر وصیت ایشان به لبنان رفته و فعالیت‌های خود را بر مبنای دوماحور اساسی قرار داد: تکمیل کارهای مرحوم شرف‌الدین و شروع برنامه‌های جدید و آغاز اقدامات اساسی. (دعوتی، مسلمین شیعه در لبنان: ۱۰)

امام موسی صدر برای حل مشکلات شیعه، چند اقدام اساسی انجام داد که عبارت بودند از:

۱. تأسیس جنبش محرومین در راستای سیاست محرومیت‌زدایی. (حیدر، الاشیاء باسمائها من اجل لبنان افضل: ۴۹ و ۵۰)
 ۲. تأسیس مؤسسات فرهنگی، آموزشی و حرفه‌ای با هدف ایجاد اشتغال و خودکفایی اقتصادی، کاهش درصد بی‌سوادی، رشد فرهنگ عمومی و اجرای پروژه‌های عمرانی در مناطق محروم. (غریبه، معمار هویت: ۱۵)
 ۳. تأسیس مجلس قانونی شیعی - مجلس اعلاى شیعه - به‌عنوان تشکیلات قانونی برای احقاق حقوق طایفه شیعه. (اباذری، امام موسی صدر سروش وحدت: ۱۱۵)
 ۴. همکاری با همه طوایف مذهبی لبنان و کوشش برای حفظ وحدت کشور در برابر اشغالگری اسرائیل. (یزدی، نقش امام موسی صدر در لبنان و انقلاب ایران: ۴۰۹)
 ۵. ائتلاف سیاسی با سوریه به‌رهبری حافظ اسد به‌عنوان حامی شیعیان در عرصه‌های مالی، سیاسی و پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی. (علیزاده، فرهنگ سیاسی لبنان: ۱۹۲)
 ۶. تأسیس شاخه نظامی حرکت المحرومین - امل.^۱ (چمران، لبنان: ۱۸۷ و ۱۸۸)
- گرچه شیعیان با تأسیس جنبش امل، تحت رهبری یک نهاد دینی و برخوردار از حمایت کشور سوریه، درصد بودند تا به‌اهداف واقعی خود در جامعه لبنان برسد؛ ولی شکل‌گیری جنگ داخلی لبنان و ناپدیدشدن امام موسی صدر، شیعیان را در رسیدن به‌اهداف خود با مشکل مواجه کرد؛ شیعیان لبنان از یک‌سو رهبر خود را از دست داده بودند و از سوی دیگر نیز اقتدار و کارآمدی رهبران سنتی جامعه شیعه (افرادی همچون کامل اسعد، کاظم خلیل و عادل عسیران) در اداره امور شیعیان کاهش یافته و آنان دیگر قادر به حفظ موقعیت خود نبودند. (رایینوویچ، جنگ برای لبنان: ۹۵) گرچه با وضعیت مذکور، امید شیعیان در داشتن آینده‌ای بهتر کمرنگ شد، ولی پیروزی انقلاب شیعی در ایران، آنها را به‌آینده امیدوار کرد.

۱. افواج المقاومة اللبنانية.

بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان

سرنگونی حکومت پهلوی در ایران باعث شد تا شیعیان لبنان با اتخاذ الگوی شیعی برگرفته از انقلاب ایران، به مبارزه برای کسب حقوق خود در جامعه لبنان پرداخته و با احیای نهضت شیعی متأثر از انقلاب اسلامی ایران، به جایگاهی از قدرت سیاسی - اجتماعی در جامعه برسند که در حال حاضر، دیگر بدون توجه به نظرات و خواسته‌های آنان، دستیابی به هرگونه توافق در جامعه فرقه‌ای - طایفه‌ای لبنان ممکن نیست. نگارنده در ادامه درصدد است تا به بررسی مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی ایران و موفقیت‌های حاصله برای شیعیان لبنان، به‌خصوص جنبش حزب‌الله بپردازد.

۱. گسترش موج بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب دینی در جهان غیرمذهبی مدرن، پدیده‌ای شگرف بود که به‌بازگشت عظمت دیرین دنیای اسلام می‌اندیشید. در واقع این انقلاب با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به‌عنوان واقعیتی پذیرفته شده در تقابل با هویت غربی قرار داد. با پیروزی انقلاب و استقرار نظام سیاسی مبتنی بر اسلام، همه مسلمانان جهان هویتی تازه یافته و احساس عزت و شخصیت اسلامی در آنان دمیده شد. (کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا: ۱۰۱) در نتیجه، کوششی که در طول ده‌ها سال از سوی قدرت‌های استعماری و استکباری برای تحقیر مسلمانان به‌کار رفته بود، نقش برآب شد.

پیروزی انقلاب اسلامی، به‌گسترش موج بیداری اسلامی و تقویت نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان اسلام کمک کرد. این انقلاب علاوه بر تقویت هویت اسلامی مسلمانان لبنان در مقابل غرب‌گرایان و به‌خصوص مسیحیان و مارونی‌ها، سبب هویت‌یابی مجدد امت اسلامی در پرتو خیزش و نهضت بیداری اسلامی منبعث از انقلاب شد که یکی از دلایل جذابیت این انقلاب برای شیعیان لبنان بوده است. (خوشروزاده،

هویت‌یابی مجدد امت اسلامی: ۱۳۸۵/۱۱/۲) به‌جرات می‌توان گفت که عامل اصلی تقویت جنبش امل پس از ناپدیدشدن امام موسی صدر^۱ و یکی از دلایل اولیه تفکر و ایدئولوژی تأسیس حزب‌الله، ناشی از ایدئولوژی اسلامی بوده است که در میان شیعیان لبنان به‌بار نشست و باعث شد که آنها نسبت به سایر مسلمانان و شیعیان جهان، بیشترین عکس‌العمل را برای تحسین آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از خود نشان داده و دفاع از انقلاب و آرمان‌های آن را مقدس شمردند.

۲. رواج اسلام انقلابی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری وضعیت جدید در نظام جهانی و منطقه‌ای، قدرت‌های جهانی که تا به حال در نزاع لیبرالیسم و مارکسیسم در دو جبهه مقابل هم قرار داشتند، به‌ابهت اسلام انقلابی پی‌بردند. در این دوره زمانی که به‌نظر می‌رسید برای سرنگونی یک رژیم، بیش از اینکه احساسات یا ایدئولوژی لازم باشد، انقلابیون نیاز به اسلحه دارند، در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون با تکیه بر اسلام انقلابی و بدون توسل به مبارزه مسلحانه، در مقابل رژیم کاملاً مسلح، صف‌آرایی کردند. لذا مبارزه انقلابیون مسلمان علیه سلطه مورد حمایت همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ جهانی، موجب مطرح‌شدن معیارهای جدیدی شد و در واقع پیروزی انقلابیون مسلمان، کارآیی اسلام را در قرن حاضر نشان داد. یکی از نویسندگان، در این زمینه می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران برخلاف ایدئولوژی‌های رایج در جهان اسلام همچون ملی‌گرایی، لیبرالیسم و سوسیالیسم، اسلام انقلابی را عرضه کرد، یعنی چیزی که به مسلمانان توان می‌داد تا در پرتو آن، آزادی خویش را به‌دست آورده و در مقابل استعمار، صهیونیسم، سرمایه‌داری و نژادپرستی ایستادگی کنند. (حنفی، اسلام سیاسی: ۲۱)

۱. گرچه جنبش امل با جنگ داخلی ضعیف شد، ولی در اواخر دهه ۱۹۷۰ دو واقعه بسیار مهم باعث شد که شیعیان مجدداً در صحنه سیاسی لبنان قدرت بگیرند: اولی ناپدیدشدن امام موسی صدر و دومی پیروزی انقلاب اسلامی ایران که تا حد بی‌سابقه‌ای آگاهی سیاسی شیعیان را افزایش داده و مجدداً به آنها هویت بخشید. به‌نقل از: (Marirus, Lebanon : prospects for ... : 268).

آوازه این انقلاب و آموزه‌های آن از جمله ایده انقلابی اسلام و اتحاد بین رهبر و مردم، مبارزان کشورهای ستمدیده را بر آن داشت که با الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران و تأسی از اسلام انقلابی موجود در آن، به اسلام‌گرایی و استعمارزدایی در جهان و به‌خصوص جهان اسلام پردازند. به دنبال این انقلاب، گروه‌های دینی - انقلابی زیادی در کشورهای اسلامی پدید آمد که از جمله مهم‌ترین این کشورها لبنان بود. بعد از پیروزی انقلاب شیعی در ایران، عملاً این انقلاب منجر به اعتماد به نفس در میان جامعه شیعه لبنان شد؛ زیرا «پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط حکومت طاغوت، تعادل قوا را به هم زده و راه پیروزی مردم را علیه استعمار هموار کرد. به شیعیان محروم لبنان قدرت و جرأت داد که با اتکا به اسلام علیه همه طاغوت‌ها ایستاده و بجنگند» (چمران، همان: ۴۱۲) تا اینکه به جایگاه و حقوق واقعی خود در جامعه لبنان دست یابند.

اندیشه‌های امام خمینی ره که مبتنی بر احیای اسلام انقلابی بود، روح تازه‌ای را در تاروپود حرکت‌های آزادی‌خواهانه شیعیان لبنان دمیده و در این راستا شکل‌گیری «جنبش امل اسلامی» و «حزب‌الله» را باید یکی از مهم‌ترین ثمرات اندیشه‌های انقلابی امام خمینی ره و انقلاب اسلامی ایران در لبنان دانست. در این زمینه «سید محمدحسین فضل‌الله» از علمای بزرگ لبنان می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران توانست اعتماد به نفس قابل ملاحظه را در مسلمانان زنده کند و آنان دریافتند مکتب اسلام قادر است تحرک سیاسی لازم را برای حل مشکلاتشان فراهم سازد. لذا به مسلمانان توصیه می‌کنیم فکر و اندیشه امام امت را سرلوحه مبارزات ضد استکباری خود قرار دهند. (بی‌نا، امام از نگاه جهان: ۴۹)

۳. گسترش اسلام سیاسی

انقلاب اسلامی ایران با هدف تأسیس نظام برخاسته از اسلام و پیاده‌سازی اصول اسلامی در تشکیل حکومت و همچنین نفی گفتمان‌های غربی حاکم بر ساختار نظام بین‌الملل، در عین حال که غرب را به لحاظ فنی و صنعتی بر جهان اسلام برتر می‌دانست؛ اما آن را از نظر اخلاقیات در انحطاط و پرتگاه نابودی دانسته و نظام سیاسی مبتنی بر

جدایی دین از سیاست را طرد کرد. انقلابیون ایرانی با توجه به ایدئولوژی جهان‌شمول خود، احیای هویت اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را از اهداف اساسی خود قرار داده و از این رو انقلاب ایران تهدیدی برای نظام جهانی و منافع ابرقدرت‌ها تلقی شد؛ زیرا گفتمان اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی، گفتمان جهانی را که در طول دوپست سال سازماندهی شده بود، زاید به حساب آورده و ضمن احیای ارزش‌های اسلامی، درصدد القای تفکر اسلام سیاسی در سراسر جهان برآمد. حتی در میان مسلمانان اروپا نیز به‌اعتراف برخی از اندیشمندان مسلمان همچون احمد هوبر، «امام خمینی با طرح ابعاد واقعی اسلام، مسلمانان را سیاسی کرده و اندیشه و تفکر سیاسی را در میان مسلمانان ایجاد کرده و بسط داد». (هوبر، دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز: ۷۶)

از آنجایی که اسلام سیاسی، هویت خود را در تعارض با فرهنگ حاکم بر غرب تعریف کرده بود، هراس غرب از اسلام، تنها ناشی از ریشه‌های مذهبی آن نبوده، بلکه بیشتر ناشی از ریشه‌های سیاسی اسلام است و هسته اصلی برداشت از اسلام، نگرانی عمیق درباره تلفیق دین و سیاست است. (جرجیس، آمریکا و اسلام سیاسی: ۲۸)

تضاد منافع غرب با ایران باعث شد تا آنها تحت عنوان بنیادگرایی اسلامی، در مقابل تحولات جدید موضع‌گیری کرده و این روند را تهدیدی برای منافع خود بدانند، لذا به این نتیجه رسیدند که باید اسلام‌گرایان سیاسی را سرکوب کنند. به‌همین دلیل آمریکا با حمایت از رژیم‌های سکولار در خاورمیانه و رسانه‌های تبلیغاتی خود، تبلیغات گسترده‌ای را مبنی بر اینکه اسلام‌گرایان، خشونت‌گرا و ضدغرب هستند، به‌راه انداخت تا بتواند جلوی گسترش اسلام سیاسی شیعی در منطقه و جهان را بگیرد؛ ولی با این حال اندیشه‌های امام خمینی علیه‌السلام، تأثیر شگرفی بر تغییر نگرش، استراتژی مبارزاتی و ایدئولوژی آزادی‌خواهان مسلمان داشته و افق‌های تازه‌ای به‌روی مسلمان به‌خصوص شیعیان جهان گشود و سبب قیام‌هایی در برخی از کشورها علیه حکام شد که یکی از نمونه‌های بارز آن در لبنان است.

بعد از پیروزی انقلاب، گروه‌های اسلامی شیعه در لبنان مانند جنبش امل اسلامی و حزب‌الله و حتی گروه‌های اسلامی سنی مانند جنبش توحید اسلامی، تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران، رشد کرده و انقلاب ایران را الگویی برای خود قرار دادند. (فحص، شیعة لبنان ...) آمیختگی تشیع با سیاست در لبنان گرچه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با پیدایش جنبش امل توسط امام موسی صدر همراه بود، ولی با ناپدید شدن ایشان، این جنبش عملاً تنها در مسیر ملی‌گرایی لبنانی هدایت شده و افرادی همانند «نبیه بری»، گرچه «انقلاب اسلامی ایران را مایه سرافرازی و افتخار شیعیان لبنان می‌دانستند؛ ولی معتقد بودند که نسخه شفاف‌بخشی برای حل مشکلات جامعه طایفه‌ای لبنان نیست». (اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی: ۴۹) این جهت‌گیری‌ها در نهایت مورد مخالفت ناراضیان امل اسلامی قرار گرفت و این گروه، آشکارا با تأثیرپذیری از افکار انقلابی ایران، از اندیشه‌های «پان اسلام‌مسم» رایج در اوایل انقلاب اسلامی ایران حمایت کردند. به‌علاوه اینکه جنبش حزب‌الله لبنان نیز نسبت به سایر گروه‌های شیعه در لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام‌خمينی علیه‌السلام و نماینده اسلام سیاسی شیعی در این منطقه به‌شمار می‌رفت. (شیبانی، مصاحبه)

اصلی‌ترین ویژگی حزب‌الله در مقایسه با گروه‌های اسلام‌گرای شیعه در جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت‌فقیه و رهبری امام‌خمينی علیه‌السلام است. پذیرش این نظریه بر تمامی ارکان، تشکیلات و دیدگاه‌های حزب‌الله سایه انداخته و از عوامل اصلی ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرا در سال ۱۹۸۲ و تشکیل حزب‌الله است. (اسداللهی، جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال: ۱۷۴)

با پذیرش اندیشه امام‌خمينی علیه‌السلام به‌عنوان یگانه مصدر حاکمیت قانونی در حزب‌الله، این حزب علاوه بر عمل به فرامین امام‌خمينی علیه‌السلام، در پی تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی در لبنان برآمدند. در این زمینه «حسین موسوی» از سران سابق حزب‌الله اظهار می‌دارد: «ما در سطح سیاسی، عقیدتی و مذهبی تابع عقاید و نظرات امام‌خمينی علیه‌السلام هستیم». (السفیر، ۵ می ۱۹۸۴) همچنین سیدحسن نصرالله نیز

درخصوص پیروی حزب‌الله از رهبری امام‌خمينی علیه السلام می‌گوید:

از نظر ما امام‌خمينی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است، همان‌گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این‌گونه است. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها و مستکبران و نظام‌های استبدادی می‌باشد. (اسداللهی، جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال: ۱۷۵)

«نعیم قاسم»، معاون فعلی حزب‌الله نیز خاطرنشان می‌کند:

امام‌خمينی به‌عنوان ولی امر مسلمین، علاوه بر مدیریت دولت اسلامی ایران، به‌وظایف سیاسی عموم مسلمین جهان در دشمنی با استکبار و استقلال درونی و وحدت کشورهای مسلمان از سلطه غارتگران مستکبر رسیدگی می‌کند. (قاسم، حزب‌الله لبنان: خط مشی ... : ۸۱)

در کنار حزب‌الله، گروه‌های شیعی دیگری نیز وجود داشتند که باوجود اعتقاد به‌هماهنگی با ایران، خط‌مشی مستقلی نسبت به‌ولایت‌فقیه و نوع حکومت در لبنان داشتند. مجلس‌اعلای شیعیان لبنان از جمله این تشکل‌ها بود. مرحوم «آیت‌الله شمس‌الدین»، رئیس سابق این مجلس در پاسخ به‌پیشنهاد تشکیل جمهوری اسلامی در لبنان می‌گوید:

به‌نظر من این طرح برای لبنان و در این شرایط، طرحی است غیرواقعی. جامعه لبنان برای اینکه به‌صورت یک کشور متحد درآید، لازم است که کل نظام سیاسی لبنان دگرگون شده و از نو و براساس رأی هر فرد به‌عنوان شهروند و هم‌وطن، نه به‌عنوان وابستگی او به‌طایفه و مذهب خاصی برقرار شود. به‌نظر ما این طرح در این دوران می‌تواند حلال مشکلات و تنها روش مقبول در لبنان باشد. من از این روش سیاسی به‌عنوان نظام دموکراسی فردی که بر مینا و پایه شورا و تبادل نظر برپا باشد یاد می‌کنم. (قوچانی، جغرافیای تاریخی شیعیان ... : ۵ / ۱۳۸۵)

علاوه بر ایشان، مرحوم «علامه فضل‌الله» نیز باوجود اذعان به‌اهمیت نقش ایران، تصریح کردند:

جمهوری اسلامی ایران را در لبنان باید هدفی دانست که در آینده قابل پیش‌بینی، غیرممکن است. (اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن: ۱۲۲)

باوجود دیدگاه‌های مذکور میان شیعیان، ایجاد وضعیت جدید در وضعیت داخلی لبنان همزمان با تغییرات وضعیت بین‌الملل و اصلاح سیاست‌های بین‌المللی ایران در دوره آقای هاشمی رفسنجانی بود؛ بدین ترتیب رهبران حزب‌الله لبنان نیز با تعدیل در عملکرد خود، ارتباط نزدیکی با جنبش امل و مجلس اعلا شیعه برقرار کردند. در این زمینه «نجفعلی میرزایی»، رایزن فرهنگی سابق ایران در لبنان، می‌نویسد:

اهداف کوتاه‌مدت سیاسی جریان‌های ارزشی و طرفدار ایران درباره ضرورت برپایی جمهوری اسلامی در لبنان، جای خودش را به تلاش‌های سیاسی برای استحکام‌دادن به پایگاه ملی و جایگاه فراگروهی در حزب‌الله داد. (میرزایی، مبانی و اصول بنیادین طرح راهبردی لبنان: ۱۸)

درواقع آنها با این اقدام سعی داشتند که ضمن حفظ ماهیت اسلامی و شیعی خود در جامعه لبنان، با تعدیل مواضع خود در مورد مسایل داخلی لبنان، اتهام ایرانی‌بودن را از خود دورسازند تا بتوانند اولاً بر شیعیان نفوذ بیشتر یابند و همچنین در جامعه لبنان مشروعیت پیدا کنند.

۴. ارتقای جایگاه سیاسی - اجتماعی شیعیان

علی‌رغم اینکه شیعیان در جامعه لبنان از لحاظ جمعیت در اکثریت بودند؛ ولی عملاً نسبت به سایر ادیان در محرومیت به سر می‌بردند که این ناشی از عدم آگاهی طایفه شیعه در جامعه لبنان نسبت به سایر طوایف بوده است. تجدید حیات شیعیان و رشد آگاهی در میان آنها توسط علامه شرف‌الدین و امام موسی صدر جرقه‌خورده و به برکت فعالیت مؤثر آنها، شیعیان توانستند به مجلس مستقل در جامعه لبنان دست‌یافته و از تحت یوغ فئودال‌های شیعه جدا شوند. گرچه با ناپدیدشدن امام موسی صدر، شیعیان با مشکل بزرگی مواجه شدند، ولی آگاهی ایجادشده توسط وی، زمینه تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران را برای شیعیان فراهم کرده و از آنجاکه آنها سال‌ها طعم تلخ مظلومیت و محرومیت را کشیده بودند، این انقلاب را مایه امید برای رسیدن به جایگاه خود در جامعه لبنان تلقی می‌کردند.

گروه‌ها و جریان‌های سیاسی مختلف شیعه با افتخار نسبت به این انقلاب، پیشرفت خود را مدیون آن دانسته و گرچه در خصوص نحوه همکاری ایران، در میان جریان‌ها و گروه‌های سیاسی شیعی اختلاف فکری وجود داشت، ولی با این حال طایفه شیعه با توجه به حمایت مستقیم از سوی یک کشور به پیشرفت‌هایی دست یافت که قبل از این انقلاب، عملاً نسبت به سایر طوایف که حامی خارجی داشتند، عقب‌مانده‌تر بود. این عقب‌ماندگی تا حدی بوده است که «شیعیان در جامعه لبنان اصلاً جزء شهروندان عادی محسوب نمی‌گردیدند؛ بلکه سایرین خود را ارباب شیعیان دانسته و لذا آنها حتی شهروند درجه چندم نیز به‌شمار نمی‌رفتند». (میرزایی، مصاحبه) اما به برکت شکل‌گیری هویت مستقل شیعی توانستند به جایگاه بهتری نسبت به قبل دست یابند. به‌علاوه اینکه کنارگذاشتن اختلافات جنبش‌های امل و حزب‌الله نیز باعث شد که شیعیان لبنان به یکی از قدرتمندترین طیف‌های سیاسی این کشور تبدیل شوند. جنبش امل به یک قدرت سیاسی تبدیل شده و همچنین حزب‌الله لبنان نیز به عنوان یک حزب شیعی، با تکیه بر مقاومت برگرفته از نمادهای شیعی و الگوی انقلاب اسلامی، یک گروه متنفذ و فعال در صحنه لبنان به‌شمار آمده و علی‌رغم خلع سلاح تمام شبه‌نظامیان در لبنان پس از پیمان طائف، این حزب در جنوب لبنان حضور مسلحانه قدرتمندی دارد. همچنین در کنار آن، با تعدیل در برنامه‌های خود و واردشدن به عرصه سیاست، حضور تأثیرگذاری در مجلس لبنان داشته و در عرصه اجتماعی نیز برای بازسازی آنچه که در طول جنگ تخریب شده بود، عزم خود را جزم کرده و با ایجاد نهادهای مختلف اجتماعی در لبنان، به خانواده‌های جنوب لبنان و حتی مسیحیان مقیم مناطق جنگی که در طول جنگ، متحمل خسارت‌های فراوانی شده بودند کمک کرد.

شایان ذکر است که شیعیان، هنوز نسبت به جمعیت خود، در قیاس با فرصت‌ها و امکانات سایر طوایف، به جایگاه واقعی خود در لبنان دست نیافته و از ورود به برخی از شئون ارتش ملی و برخی از مناصب اداری نیز محرومند؛ اما با این حال به تدریج از لحاظ جایگاه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در حال رشد هستند، به‌گونه‌ای که

«در حال حاضر هیچ‌یک از طوایف و حاکمان همانند گذشته، دیگر نمی‌توانند حقوق آنها را نادیده بگیرند و جایگاه آنها به‌حدی رسیده است که می‌توان ادعا کرد رسیدن به هرگونه اتفاق نظر بدون جلب نظر شیعیان ممکن نمی‌باشد». (شییانی، مصاحبه) آنها بسیاری از این موفقیت‌ها را مرهون حمایت‌های ایران هستند. «شیخ علی یاسین» یکی از روحانیون فعال، در این خصوص اظهار می‌کند: «اگر حمایت ایران نبود، ما به‌پنج‌جاه سال وقت نیاز داشتیم تا به‌دست‌آوردهای فعلی نائل گردیم». (النه‌ار: ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶)

۵. گسترش نمادگرایی شیعه (فرهنگ مقاومت)

بسیاری از شیعیان در طول تاریخ، مبارزه با فساد و ظلم را در چارچوب اعتقادی خود قرار داده و قیام را مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی موعود می‌دانند. (صاحبی، اندیشه اسلامی در نهضت‌های اسلامی: ۲۵) شیعه با این نگرش، مشروعیت هر حاکم ظالم را زیر سؤال برده و خواستار برپایی حکومت موعود می‌باشد و از دیدگاه بسیاری از شیعیان، تشکیل حکومت، مقدمه حکومت موعود است. گرچه این تفکر، ریشه در تاریخ شیعه دارد، ولی مرحله عملی این ایده، برای اولین بار در انقلاب اسلامی ایران بارور شد. همچنین این انقلاب، ارزش‌های نوینی همچون «جهاد»، «مبارزه با ظلم» و «شهادت» را در مبارزه سیاسی جنبش‌های اسلامی مطرح کرد که بر مبنای آن به‌دست‌یابی برای حقوق خود مبادرت ورزیدند.

از جمله جنبش‌های تأثیرپذیر از انقلاب اسلامی ایران در این زمینه، جریان‌ات سیاسی شیعی در لبنان هستند که بی‌توجهی حکام لبنان به شیعیان، از علل اصلی گرایش آنها به اقدام جمعی برای احیای حقوق از دست‌رفته خود بوده است و این عقیده، شیعه را در لبنان به‌صورت یک گروه مبارز درآورد. در واقع با احیای هویت از دست‌رفته آنها توسط انقلاب اسلامی ایران، آنها خواهان دستیابی به خواسته‌های پایمال شده خود بودند. گرچه بنابر نظر برخی، احتمال استفاده از روش دیپلماسی و سیاسی برای رسیدن به اهداف شیعیان لبنان وجود داشته است، ولی از دیدگاه شیعیانی همانند حزب‌الله، این روش در

شرایط نابرابر فایده نداشته و لذا شیعیان تنها راه پیروزی را تکیه بر شهادت‌طلبی جوانان و اثبات کارآیی فرهنگ شیعه دیدند. (قاسم، همان: ۷۱ و ۷۲)

الگوی مقاومت، متأثر از انقلاب اسلامی ایران در لبنان، تنها چندروز پس از تهاجم ارتش اسرائیل توسط عده‌ای از جوانان شیعه محقق شد و آنها توانستند با اسلحه‌های سبک، دروازه جنوبی شهر بیروت را بر روی نیروهای اسرائیلی ببندند. آن روزها جوانانی که خود را «پیرو امام خمینی» معرفی کردند، اعلام کردند که این نهضت اسلامی ایران است که انرژی مقاومت آنها را صدچندان می‌کند. (اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی: ۵۴) در آن سال‌ها که شیعیان جنوب لبنان سخت دچار تشنگی و چندگانگی بودند، تشکیلات اسلام‌گرا با تشکیل جنبش حزب‌الله، بدین نتیجه رسیدند که به دلیل عدم کارآیی گروه‌های موجود لبنانی، باید با استفاده از تجارب و موفقیت‌های انقلاب اسلامی ایران در تشکیلات جدید، تئوری‌های اسلامی را محقق کنند. (بی‌نا، حزب‌الله از تشکیل تا پیروزی: ۱۳۷۹/۳/۱۸)

استفاده از نمادهای مقدس شیعی، حزب‌الله را در انتقال پیام‌های مربوط به جهاد، شهادت، استقامت و تحمل مشکلات و مصائب، توانمند ساخته و استفاده حزب‌الله از این سمبل‌ها، باعث شد تا افراد با پیوستن به این حزب، به دنبال پیرو ساختن اسلام بر کفر جهانی و نابودی غده سرطانی برآیند.

جرقه‌های مقاومت در جنبش حزب‌الله در قالب «عملیات شهادت‌طلبانه»، افق جدیدی را در مبارزه گشود. مهم‌ترین عملیات‌های شهادت‌طلبانه حزب‌الله در این مقطع، نابودکردن مقر فرماندهی نظامی ارتش اسرائیل در شهر «صور» توسط «احمد قصیر» در نوامبر ۱۹۸۲ بود که طی آن عملیات، ۷۶ افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند. همچنین در نوامبر ۱۹۸۳ نیز حزب‌الله یک عملیات شهادت‌طلبانه را در یکی از مقرهای اصلی نظامیان اسرائیلی انجام داد که در آن عملیات، ۲۹ افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند.

این عملیات‌ها، نخستین واکنش شدید در برابر اشغال، به حساب می‌آمد و در واقع، بیانگر کارزاری بود که ارتش اسرائیل از آن پس در لبنان با آن مواجه شد. این وضع نشان می‌داد که نوع دیگری از مقاومت پا به عرصه وجود گذاشته است. این اقدامات تنها

به مبارزه علیه اسرائیل ختم نشده، بلکه به تقابل با سایر نیروهای چندملیتی در لبنان - که از دیدگاه حزب الله، اشغالگر محسوب می شدند - سرایت کرد. مهم ترین این عملیات ها، انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا در سال ۱۹۸۳ بود که منجر به کشته شدن ۲۴۱ آمریکایی شده و این عملیات به عنوان «بدترین حادثه پس از جنگ ویتنام برای نظامیان آمریکایی» محسوب شد. (کدیور، همان: ۱۱۶)

با خروج نیروهای چند ملیتی از لبنان، تحت تأثیر عملیات های استشهادی، به تدریج عملیات حزب الله به تقابل با اسرائیل و دشمنان داخلی این حزب که آلت دست نیروهای خارجی پنداشته می شدند، شروع شد. خسارت های وارده، ناشی از مقاومت، باعث فشار بر افکار عمومی اسرائیل شده و در نهایت ارتش اسرائیل در ژانویه ۱۹۸۵ با تصمیم کابینه این کشور عقب نشینی کرده و طی چند مرحله عقب نشینی، با استقرار نیروهای خود در یک منطقه همجوار با مرزهای جنوب لبنان، این منطقه را «کمربند ایمنی» نام نهاد. (Zisser, Hizbollah on the Crossroad: 34)

قابل توجه آنکه اثرات عملیات های استشهادی، موجب حیرت همگان شد. «رابین رایت» خبرنگار آمریکایی در این زمینه می نویسد:

در طول تاریخ کشور یهود اسرائیل، این اولین بار بود که یک دولت یهودی تحت فشار یک کشور عربی به عقب نشینی تن داده بود. اسرائیل به عنوان چهارمین قدرت نظامی جهان، اولین شکست خود را تجربه کرده و جنوب لبنان به صورت یک ویتنام درآمد. (رایت، شیعیان مبارزان راه خدا: ۱۴۱ و ۱۴۲)

وضعیت تقابل حزب الله با اسرائیل و دشمنان داخلی تا سال ۱۹۸۹ ادامه داشت تا اینکه بعد از «نشست طائف» در این سال، حزب الله با تعدیل در برخی از دیدگاه های سیاسی نسبت به گروه های داخلی لبنان، در کنار ورود به صحنه سیاسی لبنان و بازسازی مناطق شیعه، به مقاومت سرسختانه و شدید با روش های ابتکاری برای آزاد کردن جنوب این کشور از اشغال اسرائیل پرداخت. (مهتدی، تحولات لبنان، خاورمیانه و ایران: ۱۴۳) این مقاومت منجر به جنگ همیشگی بین طرفین شد تا اینکه در سال های ۲۰۰۰ و

۲۰۰۶، اسرائیل تحت فشار مقاومت حزب‌الله و افکار عمومی، مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شد.

بدیهی است که چنین تحولی ناشی از تأثیر مستقیم حمایت‌های ایران بوده و رهبران و اعضای حزب‌الله نیز همواره به تأثیر بر صحنه سیاسی لبنان، به خصوص بر شیعیان این کشور از سوی ایران اذعان داشته و با افتخار از آن یاد می‌کنند. «شیخ راغب حرب» در این زمینه می‌گوید:

ما زمانی در حال ترس و اضطراب از حمله و تعرض دشمن به سر می‌بردیم؛ ولی در پرتو تدبیر انقلاب اسلامی ایران، اکنون این دشمن است که از ما و اسلام به وحشت افتاده است. (گلی زواره، شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین: ۱۴۳)

به‌طور کلی می‌توان گفت که شیعیان لبنان به خصوص جنبش حزب‌الله، با تکیه بر الگوی عملیات استشهادی، در راه رسیدن به هدف خود تلاش‌های فراوانی کردند که مهم‌ترین نتایج آن عبارت است از:

۱. گسترش فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات شهادت‌طلبانه و اثبات کارایی آن.
۲. اخراج اشغالگران صهیونیستی و سایر نیروهای خارجی از خاک لبنان.
۳. سرایت روش مبارزاتی حزب‌الله بر مسلمانان فلسطین و برافروختن آتش انتفاضه به امید آزادسازی همه جانبه قدس.
۴. رد الگوی مصالحه، دیپلماسی و مذاکرات بیهوده با اسرائیل.
۵. سست کردن اسطوره شکست‌ناپذیری اسرائیل در میان اعراب و مسلمانان.
۶. تبدیل الگوی مقاومت حزب‌الله به عامل بیداری اعراب در سراسر امت اسلامی.
۷. ایجاد مشروعیت مردمی و همبستگی ملی میان بسیاری از طوایف لبنانی در خصوص مقاومت در برابر اسرائیل.
۸. تبدیل شدن حزب‌الله از یک تشکل اسلامی کوچک در عرصه سیاسی لبنان، به یکی از مهم‌ترین احزاب سیاسی.

۶. محوریت روحانیت در عمل سیاسی و مسجد به عنوان کانون مبارزه

بسیاری از روحانیون شیعه لبنان تا ابتدای دهه هشتاد میلادی، تحصیل کرده حوزه علمیه نجف اشرف بودند. در این دوران، شاهد ظهور جنبش زیرزمینی انقلابی عراق، به نام «حزب الدعوة» هستیم که تحت تأثیر تئوری‌های اسلامی روحانیون بلندپایه شیعه ایرانی و عراقی همچون امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر قرار گرفتند.

حزب بعث عراق به منظور جلوگیری از قیام همگانی شیعیان، مبارزه همه جانبه‌ای را علیه نهادها و شخصیت‌های دینی شیعه در این کشور آغاز کرده و روحانیون و طلبه‌های شیعه غیرعراقی را از این کشور اخراج کرد. بدین ترتیب روحانیون شیعه لبنان مجبور به بازگشت به کشور خود شدند. این دسته از روحانیون شیعه لبنانی که بازگشت به کشورشان همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران صورت گرفت، با برپایی مدارس دینی، آموزه‌های اسلام سیاسی و انقلابی را به نسل جدید لبنان منتقل کرده و به تشکیلات خاصی نپیوستند. آنها تنها در مجموعه‌های کوچک و متفرق اسلام‌گرا در مناطق شیعه‌نشین لبنان به فعالیت و حمایت از انقلاب اسلامی مشغول شدند.

در همان سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی (خرداد ۱۳۶۱)، برخی از علمای لبنانی^۱ در اجلاس جنبش‌های اسلامی با عنوان «نخستین اجلاس مستضعفان»، در تهران با امام خمینی علیه السلام دیدار کردند. حضرت امام، آنها را به بسیج مردمی علیه اشغال و مبارزه علیه اسرائیل فرا خوانده و از آنان خواست که برای آغاز فعالیت خود، مساجد را به عنوان کانون مبارزه انتخاب کنند. بدین ترتیب مسجد به مکانی برای اتخاذ تصمیمات مهم تبدیل شد و علما نیز با ایراد خطبه و سخنرانی در مسجد، آن را به مهم‌ترین خط ارتباطی خود با پیروانشان تبدیل کردند.

از آنجایی که مسجد برای جنبش حزب‌الله به عنوان مصدر دائمی بسیج طرفداران این حزب در دهه هشتاد (تا قبل از تأسیس تلویزیون المنار و رادیو النور) به حساب می‌آمد،

۱. از جمله مهم‌ترین این افراد عبارت بودند از: سیدمحمدحسین فضل‌الله، صبحی طفیلی، عقیف النابلسی، حسین کورانی، محمد یزبک و راغب حرب.

سران حزب نیز با تأسیس صدها مسجد جدید، زمینه را برای اشاعه پیام‌های اسلام‌گرایانه خود مهیا کردند. مردم نیز در پاسخ به تهاجمات، بازداشت‌ها و اعمال خشونت‌بار نیروهای اشغالگر در حق شهروندان بی‌دفاع، به همراه علما به اعتصاب و راهپیمایی علیه اشغالگران اقدام کردند که مهم‌ترین آن، قیام جبل‌عامل و قیام روستای جیشیت به رهبری شیخ راغب حرب در فوریه ۱۹۸۴ بود که منجر به شهادت وی توسط عوامل اسرائیلی شد.

پس از ظهور رسمی حزب‌الله در سال ۱۹۸۴، با معرفی یک روحانی به‌عنوان سخنگوی رسمی و حضور روحانیون در شورای رهبری حزب، جایگاه روحانیون در آن برجسته شد. در آن موقع، به‌استثنای «حسین موسوی»، بقیه اعضای شورای رهبری حزب‌الله، روحانی بودند.^۱

ایدئولوژی حزب‌الله لبنان با الگوگیری از انقلاب ایران، بر اتحاد جدایی‌ناپذیر میان رهبری مذهبی و سیاسی تأکید داشته و به این سبب فقهای عالی‌رتبه، جایگاه ویژه‌ای در میان اعضای حزب‌الله و جامعه لبنان کسب کرده و مسئولیت پاسداری از پیام خداوند را به‌عهده گرفتند. این نوع پاسداری مذهبی - سیاسی شامل بهره‌برداری از تئوری‌های شهید سیدمحمدباقر صدر و حضرت امام خمینی علیه‌السلام بود. (امرائی، انقلاب اسلامی ایران و ... : ۲۳۹)

نقش متمایز روحانیون در بخش‌های مختلف جنبش حزب‌الله، در هیچ‌یک از احزاب و سازمان‌های لبنانی سابقه نداشته و شاهد این مدعی این است که از ابتدای تأسیس این حزب تاکنون، روحانیون همواره اکثریت شورای حزب‌الله را تشکیل داده و ریاست پست‌های مهم حزب‌الله، همچون دبیرکل، معاون دبیرکل، شورای اجرایی، شورای جهادی و سخنگو همواره از میان روحانیون انتخاب شده‌اند و «اعضاء حزب‌الله همانند انقلاب اسلامی ایران، با حلقه به‌دور روحانیون، رهنمودهای مذهبی و سیاسی را از آنها

۱. از جمله این افراد می‌توان به سیدعباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی، شیخ یزبک، سیدابراهیم الامین و شیخ نعیم قاسم اشاره نمود. (دکمجیان، اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی در جهان عرب: ۳۰۵)

دریافت کرده و آنها نیز با صیانت از ماهیت اسلامی و بیان دلایل شرعی در مشروعیت اعمال حزب الله، شبهات احتمالی را برطرف می‌کردند». (اسداللهی، جنبش حزب الله لبنان؛ گذشته و حال: ۱۷۷ - ۱۸۳)

۷. اشتراک در ادبیات سیاسی و روش‌های فرهنگی تبلیغاتی

ادبیات سیاسی و شعارهای گروه‌های شیعه همچون جنبش امل اسلامی، حزب الدعوة و حزب الله در دهه هشتاد، نشانگر تأثیرپذیری شیعیان از انقلاب اسلامی است. به‌عنوان مثال «واژه‌ها و اصطلاحاتی که در آثار و بیانیه‌های آنها و یا سخنرانی شخصیت‌های این احزاب به کار برده می‌شد، بر گرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی بود که انقلاب اسلامی ایران آنها را رواج داد». (محتشمی‌پور، ناگفته‌هایی از تأسیس حزب الله: ۴۲)

پس از تلفیق گروه‌های مستقل شیعه در قالب حزب الله از سال ۱۹۸۲ به بعد، واژه‌ها، روش‌ها و ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی حزب الله مشابهت بسیاری با ابزارهای تبلیغاتی در جامعه ایران داشت، تا جایی که می‌توان گفت که غالب اصطلاحات و واژه‌هایی که از سوی حزب الله به کار برده می‌شد، از فرهنگ و ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی ره به عاریت گرفته می‌شد. از جمله آنکه به مسلمانان و سایر ملل ضعیف جهان، به دید «مستضعفان» نگریسته می‌شد و بر همین اساس، اولین ایستگاه رادیویی حزب الله در شهر بعلبک، «صوت المستضعفان» نام‌گذاری شد. آمریکا و شوروی به‌عنوان نمونه‌های «استکبار جهانی» معرفی شده و اسرائیل نیز به‌صورت «غده سرطانی» شناخته می‌شد که در صدد ریشه‌کن کردن آن بودند. همچنین پرچم‌های ایران و پرچم‌های شیعی، از قبیل «یا ابا عبدالله» و «یا مهدی ادرکنا» نیز برفراز مساجد برافراشته شده بودند. (شراره، دولت حزب الله لبنان مجتمعاً اسلامياً: ۲۰۸ و ۲۳۲)

شایان ذکر است که علاوه بر تأثیرات مذکور، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های رایزنی فرهنگی ایران در لبنان، برگزاری مراسم، تظاهرات و جشن‌هایی برای اعیاد اسلامی، روز قدس، مراسم عزاداری اهل بیت و ... با همکاری گروه‌های شیعی است که

استقبال شیعیان لبنان را به همراه دارد. (نادری سمیرمی، همان: ۱۴۸)

از جمله تأثیراتی که در جامعه لبنان به چشم می‌خورد این است که با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، در محلاتی از بیروت همانند برج البراجنه، بئر حسن، حارت حریک و همچنین در مناطق دیگری از لبنان از قبیل جبل عامل، بعلبک، نبی شیث، صور، صیدا، بنت جبیل، مارون الرأس، بنت عمیس، کفرکلا، خیام و ... هنوز تصاویر، شعارها و نوشته‌هایی در حمایت از انقلاب اسلامی و رهبری این نهضت مشاهده می‌شود. حتی در مهم‌ترین نقاط سیاسی و استراتژیک لبنان از جمله چادرهای گروه‌های معترض دولت (۸ مارس) در سال ۲۰۰۷، در کنار کاخ نخست‌وزیری لبنان و همچنین نقطه صفر مرزی بوابه فاطمه، عکس مقام معظم رهبری در کنار سیدحسن نصرالله و نبیه بری به چشم می‌خورد.

نتیجه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز احیای نهضت شیعی لبنان و الهام بخش رهایی مردم شیعه در مبارزه با اسرائیل شده و این کشور به مناسب‌ترین محل رشد و پرورش افکار انقلابی شیعه درآمده است؛ زیرا سرنگونی حکومت پهلوی در ایران، تبدیل به‌الگویی برای مبارزه علیه اشغال و بی‌عدالتی در جامعه لبنان شده و شیعیان در این کشور با کنارگذاشتن سایر الگوها و اتخاذ الگوی اسلام انقلابی برگرفته از ایران، به مبارزه برای کسب حقوق خود در جامعه لبنان پرداختند. بدین ترتیب پس از انقلاب اسلامی، شیعیان لبنان نیز با حمایت مستقیم از سوی یک کشور انقلابی و مصمم که در پی صدور آرمان‌های انقلاب بود، درصدد برآمدند تا موقعیت سیاسی اجتماعی خود را در جامعه لبنان ارتقا دهند.

رسیدن به منافع طایفه‌ای در ضمن منافع ملی یا بیرون از آن، دغدغه مهمی بود که شیعیان لبنان تحت تاثیر ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مواضع سیاسی ایران، با گذراندن تجربه‌های مختلف اعم از نزاع، جنگ داخلی شیعه، صلح، اتحاد و ... به تدریج

موفقیت‌هایی را به دست آوردند و حال پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران نیز با تأثیرگذاری در عرصه‌های سیاسی (سهم بیشتر در قدرت)، اجتماعی (بهینه شدن وضعیت شهروندی) و فرهنگی (تقویت هویت شیعی)، نقش مهمی در ارتقای جایگاه شیعیان لبنان در جامعه معاصر ایفا کرده است و تأثیرات مذکور، باعث شد تا از یک سو لبنان به مهم‌ترین کانال برای اثرگذاری بر مسئله قدس، فلسطین و منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی تبدیل شود و از سوی دیگر نیز شیعیان لبنان با انتقال از حاشیه به مرکز ثقل تحولات، نقش فزاینده‌ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان بر عهده بگیرند، به گونه‌ای که در حال حاضر بدون در نظر گرفتن نظرات و خواسته‌های آنان، دستیابی به هرگونه توافق در جامعه فرقه‌ای طایفه‌ای لبنان ممکن نیست.

در پی موفقیت‌های حاصل از انقلاب اسلامی ایران در لبنان، دشمنان جمهوری اسلامی ایران همواره به دنبال آن بودند تا بتوانند با موج اسلام‌گرایی متأثر از انقلاب اسلامی مقابله کنند. در حال حاضر نیز طرح خاورمیانه جدید، سیاستی برای تقابل با انقلاب اسلامی تلقی می‌شود که حاکی از تلاش بی‌وقفه و نظام‌مند جهان غرب به سرکردگی آمریکا برای مقابله و مهار خاورمیانه اسلامی با محوریت تفکر شیعی و انقلاب است. آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای او می‌کوشند با طرح مسایلی چون «هلال شیعی» اذهان را نسبت به این مسئله منحرف کنند تا بتوانند جلوی تأثیرات موفقیت‌آمیز انقلاب اسلامی ایران را بگیرند. در این راستا به نظر می‌رسد که به دلیل حمایت ایران از شیعیان به خصوص حزب‌الله، بهتر است که جمهوری اسلامی ایران در گام اول در صدد وحدت تمامی شیعیان با اهدافی همچون مبارزه با اسرائیل و ... برآید و در گام دوم نیز در راستای همگرایی با سایر طوایف تلاش کند؛ همان‌طور که این اقدام در جریان تشکیل حرکت محرومین از سوی امام موسی صدر پی‌گیری شده بود.

منابع

فارسی

۱. اباذری، عبدالرحیم، *امام موسی صدر سرورش وحدت*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳.
۲. اسپوزیتو، جان ال، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
۳. اسداللهی، مسعود، *از مقاومت تا پیروزی*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹.
۴. _____، *جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
۵. امرائی، حمزه، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۶. بی‌نا، امام از نگاه جهان، *مجله حضور*، ش ۱، خرداد، ۱۳۷۰.
۷. بی‌نا، حزب‌الله از تشکیل تا پیروزی، *روزنامه رسالت*، ۱۳۷۹/۳/۱۸.
۸. تدگر، رابرت، *چرا انسانها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
۹. جرجیس، فواز. ای، *آمریکا و اسلام سیاسی*، ترجمه سیدمحمدکمال مسروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵.
۱۰. چمران، مصطفی، *لبنان*، تهران، بنیاد شهید چمران، ۱۳۶۲.
۱۱. الحر العاملی، شیخ محمدبن الحسن، *امل الامل*، تحقیق السید احمد الحسین، بغداد، مکتبه‌الاندلس، بی‌تا.
۱۲. حسامی، شیخ شرف، (استاد حوزه عملیه سنندج)، سخنرانی در مراسم تجمع علمای مسلمین در بیروت، هتل الساحه، چهارشنبه ۱۳۸۶/۲/۲۶.
۱۳. حنفی، حسن، *اسلام سیاسی*، ترجمه محمدحسن معصومی، قم، *مجله حکومت اسلامی*، سال دوم، شماره پیاپی ۳، بهار ۱۳۷۶.

۱۴. حیدر، عاکف، *الاشیاء باسمائها من اجل لبنان افضل*، بیروت، شركة المطبوعات للتوزيع والنشر، ۱۹۹۵.
۱۵. خوشروزاده، جعفر، *هویت یابی مجدد امت اسلامی، روزنامه جام جم، ۱۳۸۵/۱۱/۲۱*.
۱۶. الخوند، مسعود، *الموسوعة التاريخية الجغرافية*، بیروت، شرکت العالمیه للموساعات، ۲۰۰۵.
۱۷. دژاردن، تبری، *صد میلیون عرب*، ترجمه حسین مهری، تهران، نشر توس، ۱۳۶۹.
۱۸. دعوتی، میرابوالفتح، *مسلمین شیعه در لبنان*، تهران، آثار بعثت، ۱۳۵۲.
۱۹. دکمچیان، هرایر، *اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی در جهان عرب؛ بررسی پدیده بنیادگرایی اسلامی*، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
۲۰. رابینوویچ، ایتمار، *جنگ برای لبنان*، ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجبی یزدی، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۸.
۲۱. رایت، رابین، *شیعیان مبارزان راه خدا*، ترجمه علی اندیشه، تهران، قومس، ۱۳۷۲.
۲۲. سعدون، حماده، *تاریخ الشیعه فی لبنان*، بیروت، دارالخیال، ۲۰۰۸.
۲۳. شراره، وضاح، *دولة حزب الله لبنان مجتمعاً اسلامياً*، بیروت، دارالنهار، ۱۹۹۸.
۲۴. صاحبی، محمدجواد، *اندیشه اسلامی در نهضت‌های اسلامی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۰.
۲۵. عزیززاده، ه، *فرهنگ سیاسی لبنان*، ترجمه محمدرضا گل‌سرخ‌ی و محمدرضا معماری، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۸.
۲۶. غربیه، حسین، *معمار هویت: بررسی نقش امام موسی صدر در شکل بندی هویت شیعی لبنان*، ترجمه سیدکاظم سیدباقری، *پگاه حوزه*، شماره ۱۸، ۲۰ خرداد ۱۳۸۵.
۲۷. قاسم، نعیم، *حزب الله لبنان: خط مشی، گذشته و آینده آن*، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۳.
۲۸. قوچانی، محمد، *جغرافیای تاریخی شیعیان؛ اتحاد شیعیان ایران و لبنان، روزنامه شرق*، ۱۳۸۵/۵/۵.
۲۹. کدیور، جمیله، *رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا*، تهران، نشر اطلاعات، ۱۳۷۹.
۳۰. گلی زواره، غلامرضا، *شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان نشین*، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.

۳۱. محتشمی پور، سیدعلی اکبر، ناگفته‌هایی از تأسیس حزب الله، *ماهنامه شاهد یاران*، شماره ۱۱، مهر ۱۳۸۵.
۳۲. معینی آرانی، مصطفی، *ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.
۳۳. مهتدی، محمدعلی، *تحولات لبنان، خاورمیانه و ایران، مجموعه مقالات نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، به کوشش نسرين مصفا، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۵.
۳۴. میرزایی، نجفعلی، *میانی و اصول بنیادین طرح راهبردی لبنان*، قم، سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، مرکز اسناد سازمان، ۱۳۷۹.
۳۵. نادری سمیرمی، احمد، *لبنان*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
۳۶. هوبر، احمد، *دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان امروز*، *مجله حضور*، شماره ۱، خرداد ۱۳۷۰.
۳۷. وبر، ماکس، *مفاهیم اساسی در جامعه شناسی*، ترجمه احمد صدارتی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۶.
۳۸. یزدی، ابراهیم، نقش امام موسی صدر در لبنان و انقلاب ایران، *یادنامه امام موسی صدر*، ویژه‌نامه تاریخ و فرهنگ معاصر، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، ۱۳۷۵.
۳۹. العاملی، محمدتقی آل فقیه، *جیل عامل فی التاريخ*، بغداد، دارالساعه، ۱۳۴۶.
۴۰. فحص، هانی، *شیعه لبنان: الرقم الصعب محلیاً وإقليمياً*، <http://www.al-bayyna.com>.
۴۱. المهاجر، جعفر، *التأسيس لتاريخ الشیعه فی لبنان و سوریه*، بیروت، دارالملاک، ۱۹۹۲.

انگلیسی

42. Buheiri, M.R, "*Intellectual Life in the Arab-east 1890-1939*", Beirut, 1981.
43. Fawaz, Leila Tazari, "*Merchants and Migrants in Nineteenth-*

- "Century Beirut"** Cambridge, mass, 1983.
44. Marirus Deeb, " Lebanon : prospects for national reconciliation in the MID", *Middle East Journal*, No 2, 1980.
45. Olmert, Joseph, "**The Shiites Of Lebanon**" In Martin Kramer, "**Shiism Resistance and Revolution**", London , Menasell Publication, 1987.
46. Zisser, Eyal, "**Hizbollah on the Crossroad**", Middel East Review of International Affaires (MERIA), 1997.

مصاحبه

۴۷. شیبانی، محمدرضا، سفیر (سابق) جمهوری اسلامی ایران در بیروت، محل سفارت ایران در بیروت، جمعه، ۱۳۸۶/۲/۲۸.
۴۸. میرزایی، نجفعلی، رایزن فرهنگی سابق ایران در لبنان، قم.
۴۹. صدر، سیدصدرالدین، (پسر امام موسی صدر)، مؤسسه الامام الموسی الصدر، شهر صور لبنان، شنبه، ۱۳۸۶/۲/۲۹.
۵۰. سلمان، طلال، سردبیر و صاحب امتیاز روزنامه السفير لبنان، بیروت، دفتر روزنامه السفير، جمعه، ۱۳۸۶/۲/۲۸.